

**حدیث روز:**  
امام رضا(ع): هر کس خودش را از ما بداند و خدا را طاعت نکند از ما نیست.

**واحه:**  
عاشقی بس خوش جهانی است ای پسر  
وان جهان را آسمانی دیگر است

**اوقات شرعی:**  
اذان ظهر: ۱۳/۱۰  
اذان مغرب: ۲۰/۲۴  
اذان صبح (فردا): ۴/۴۱  
غروب آفتاب: ۲/۰۵  
نیمه شب شرعی: ۲۳/۰۰  
طلوع خورشید (فردا): ۶/۱۶

**وضعیت آب و هوای امروز**

**تهران**  
۲۴ / ۳۴

**ایلام**  
۲۱ / ۳۵

**ارومیه**  
۱۷ / ۳۲

**بوشهر**  
۳۲ / ۴۰

**بیرجند**  
۲۰ / ۳۴

**رشت**  
۲۳ / ۳۴

**زاهدان**  
۲۲ / ۳۷

**زنجان**  
۱۶ / ۲۹

**حکمت ۱۸:**

نهج البلاغه

آدمی در زیر زبان خود پنهان است.

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

شاپا: ۳۶۳۷۰-ISSN۱۷۳۵۰۰۰۰

پایگاه اطلاع رسانی: www.jamejamonline.ir

www.jamejamdaily.ir

پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر شماره ۱۱۹

تلفن: ۰۲۱-۲۲۰۰۰۰۰۰ | دوزنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳

سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۳

مور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰

شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۴۰ ■ تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴

چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

پنجشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۰ | ۲۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۶۰۳ | Thursday - August 5 , 2021

## گفت‌وگو با سعید امیرسلیمانی هنرمند سینما، تلویزیون و تئاتر

# من هنوز می‌خواهم بدوم!



علی‌مظاهری

روزنامه‌نگار

با بای بسم!...

آرتچنان سرشار و گرم است و پرانرژی که شما را بسته خود می‌کند و نمی‌توانین بهش دل نبندین. چنان حرارتی داره حضورش که دوست داری در تابش این گرمای زندگی بشینی بیش و بیشتر و شگفته‌تر بشی. همراه و دلنواز دعوتم کرد خانه‌اش در جاجرد اما سرانجام در عصر یک آدینه قدم‌رنجه کرد و به روزنامه اومد و چه لحظات دوستکامی گوارایی که اون روز و روزهای پس از آن با هم داشتیم تا این گفت‌وگو به سرانجامی چنین رسید، هرچند استاد سعید امیرسلیمانی چندباری گفت چیزهایی می‌پرسی که خیلی باید درباره‌اش فکرکرد. یاداکه بیستدین.

وقتی ایشان با اون زلالی، اون روشنی روح، برام آرزو کرد: «ان شاء... مثل من، زندگی خوبی داشته باشین چون من زندگی بسیار خوبی دارم». گفت‌وگورو از مهرانگی از زندگی آغازیدیم.

درباره صمیمیتی که بین مادر این مصاحبه درخشیدو آفتاب همیشه‌شد، گفت: انتظار دارم چون ستم از تو بیشتره، زنگی بزنی حالم رو پیرسی از حال خودت من رو آگاه بکنی

**ارزش داره عمر رو به پاش صرف‌کنیم؟**

وطن، خانه و خانواده.

**اگه غول چراغ جادو در اختیارتون بود؟**

آخ جان. ببین! هول می‌شدم

اصلا نمی‌تونستم هیچ کاری انجام بدم.

**برای این‌که توی این فشار و گرونی‌ها روحیه داشته باشیم؟**

اصلا فکرش رو نکینم.

**اگه دستمزدتون پشت هم عقب‌بیتفه؟**

دلخور می‌شم.

**زنگ در خونه بخوره به گونی اسکناس پشت درو هیشکی هم دیده‌نشه؟**

می‌گردم صاحبش رو پیدا می‌کنم. حرومه اون.

**اگه بخوام به لطیفه بگین؟**

یه جوک کوتاه بی‌مزه می‌گم.

**اگه یکی از شخصیت‌های شاهنامه بودین کدوم؟**

سهراب بودم. بگو چرا! برای

این‌که در جوونی کشته می‌شدم و سالیان سال اسمم می‌موند و چقدر بچه‌هاشونو سهراب نام می‌داشتن.

**خوره روح و روحیه؟**

اول و آخر و وسط؛ حسادت، مهم‌ترین.

**روح پرور روح‌انگیر؟**

هنراز نو‌عش.

**آن‌که می‌گوید دوست‌دارم؟**

مواظب باش خاچان نکنه.

**هزار ماشا... چنان سرشارو شادمانه‌اید که بهتان می‌خورد نهانیا ۴۵ ساله باشید. این انرژی از کجا میاد؟**

از احساسام، از ژنم، از خانواده‌ام، از انرژی مثبتی که از همه می‌گیرم.

**باهش موافقین همیشه؟**

خوشی و شادی با هرچوروش.

**باهش عمر مخالفین؟**

مخالفم با غم و غصه و خشونت و بدبختی و فقر.

**تا باد چنین باد؟**

آزادی.

**خیلی با شنیدنش شوکه شدین؟**

این کرونا بعضی دوستانم رو بُرد واقعا شوکه شدم. اصلا

باورنمی‌کردم به این زودی برن. یکی‌دوتا نبودن خیلی بودن.

**در این‌باره، در جهان گریاندن آسان‌ست؟**

بسیار موفقیم! داشتیم

خوردیم نداشتیم نخوردیم با هم می‌رفتیم با هم می‌اومدیم

این «هم‌ها» رو با هم داشتیم.

همه‌چی هم بودیم. پس هنوز چراغ عشق ما روشن.

**پس چراغ خونه؟**

وجودهمسرمه‌انگاه‌که می‌کنه

... ای جان به فدای چشم تو ...

این نگاهش همه‌چی میاره؛ عشق، زندگی، امید ...

**یه‌کی‌توی این‌مصاحبه تبریک‌میکن؟**

الان که می‌اومدم خانمم گفت

انگاری فیلم قهرمان اصغر فرهادی جایزه گرفته الان به

ایشون تبریک‌میکم. ان‌شاء... راست باشه.

**دوست‌دارین بیشترمهمونی بروید یا بدید؟**

مسائل سیاسی به نظرم میاد

که نمی‌خوام بگم.

**مایه سلب آسایش؟**

حسادت.

**الان زندگی‌تون رو خیلی زیباتر می‌کنه؟**

سفر. هر نوع سفری رو دوست دارم؛ داخلی خارجی، از بچگی

خوبی هم سفرکردم.

**کسی بگه بازی‌تون رو فلان‌جا دوست‌نداشتین؟**

آره. مخصوصا بچه‌هام میگن

بابا اون‌جارو خوب بازی نکردین.

**واکنش‌تون؟**

می‌خندم. میگم همین بوده

قدرتم.

**کلابه‌از برخوردنا مناسب‌تون؟**

به جون بچه‌هام نه! با احدی

بد برخورد نمی‌کنم. من عاشق همه‌ام.

**دل‌تسون رو بهشون هدیه میدین؟**

آدمایی که آدم باشن البته

دلم به روی همه بازه همه، اونا که انسان‌ترن، خیلی بیشتر

دوستشون دارم.

**خانه عشق رو چیا آباد نگه می‌داره؟**

صفا. صمیمیت. واقعا

عاشق بودن. همکاری همراهی همفکری.

**مثالی‌در این‌باره؟**

بزنم به تخته من و خانمم

بسیار موفقیم! داشتیم

باشی‌که بتونی محبوبیت

رو در دل مردم ایجاد کنی.

چیزی نیست‌که بری‌کاری کنی یا درسش رو بخونی

نخیر اصلا امکان‌داره نتیجه معکوس بدی.

**راز محبوبیت شما؟**

این‌جوری‌که زندگی‌کردم فکر می‌کنم محبوبم چون خوب

زندگی‌کردم. هیچ نیازی نیست

تظاهر بکنم، مردم ما خیلی خوب می‌فهمن.

**تلاش برای آرزو؟**

همیشه آدم آرزو‌داره توی کارش

تاپ باشه. به هرجا می‌رسه دوست داره از اون هم بهتر

بشه. این توی ذات انسانه. من هم به هرجا رسیدم آرزو داشتم

از این بهتر بشم. به قول تو اگه محبوبم محبوب‌تر بشم،

بازبرگم بازبرگتر ... برای همین هم همیشه تلاش می‌کنم.

**چیزی‌که کم‌کنار پیشرفت‌تون شد؟**

علاقه‌ای‌که پیدا کرده بودم

و این‌که از جوونی صاحب فکر بودم فکر می‌کردم توی

بحث‌های اجتماعی (نه سیاسی) همیشه یه پای

بحث بودم خلاصه اینها من‌رو کشوندو تا امروز دنبالش.

**میگن موج‌منفی؟**

اصلا من موج منفی ندارم. اصلا

امروز سر لوکیشن می‌گفتن

**پس شما «جنگ‌جوی پیروز»ین؟**

پیروزم یا نه، دیگه نمی‌دونم

شماها باید بگین البته توی

زندگی خانوادگی خیلی پیروزم

و موفق!

**استاد اونایی‌که زنده به عشق نیستن (به قول حافظ)؟**

واسه چی زندگی می‌کنن

مخصوصا الان که من و شما عاشقیم. آره. داریم زندگی

می‌کنیم و عالی هم زندگی می‌کنیم از صدقه سر عشق!

**عشق هنرپیشگی‌هایی‌که نیومده، دنبال دیده‌شدن و شهرت هستن؟**

ما به اینا می‌گیم متظاهر.

اینجا دنبال اون عشقی که ما

رفتیم نرفتن و نمی‌رن. ما با تمی‌که برای این مصاحبه

انتخاب‌کردیم همون عشقه، اینها آقا! عاشقیت سرشون

نمی‌شه.



بودن چقدر مؤثره توی موفقیت و

پندیرش دیگران و...؟

بسیار مهمه این

معیارها بسیار. زمانی

که می‌خواستیم ازدواج

بکنم تنها مساله‌ای

که برام بسیارمهم بود

همین بود که خانم من حتما

باید سر سفره پدر و مادر بزرگ

شده باشه که واقعا همین‌طور

بودن.

**نتیجه سر سفره پدر و مادر بزرگ‌شدن؟**

یعنی حسن‌ها و عیب‌ها رو

می‌دونن، درست‌ترتیب‌شدن،

خیر و شر رو می‌دونن. بیشتر با

زندگی آشنا. بخلاف اونایی

که نوکیسه هستن.

**اسام رضا (ع) می‌فرمایند:**

دست در دهن افعی ببرم

آسون‌تره از این‌که پیشیزی از

نوکیسه بخوام!

آفرین. آفرین.

**استاد! چه جوری فرزند با وجود گزندهای اجتماعی درست**

باربیاره؟

سپند کوچیک بود. ماشینی

پیچید جلوی ما. سپند بهش

یه کلمه ناپسند گفت که

نمی‌گم. بعدا پرسیدم باباجان

اینی که گفتی یعنی چی؟ گفت

نمی‌دونم! اون کلمه رو توی

اجتماع یاد گرفته بود، ولی

نمی‌دونست یعنی چی. گفتم

سپندجان این کلمه زشته مال

آدمای بده.

**پس باین حساب؟**

این بچه‌های من اصلا بلد

نیستن حرف بد بززن. از این

الفاظ بد استفاده نمی‌کنن.

**استاد اگه تقی‌به‌توقی می‌خورد و خدا براتون چند**

میلیارد می‌رسوند؟

من هیچ‌وقت پیشواز

هیچی نمی‌رم.

**بنازم مثال می‌زنین؟**

زنگ زدن که پدرت

حالش بده بیا بیمارستان، تا نرفتم

تخت خالیش رو ندیدم گریه نکردم،

یعنی هیچ‌وقت پیشواز

هیچی

نمیرم، چه بد و چه خوب.

**حالا پول برسه چی؟**

مظاهری جون! پول رو که بده

دستم، اون‌وقت می‌دونم

چکار بکنم. الان الکی فکر رو

آلوده نمی‌کنم.

**یادی از گذشته‌ها؟**

پدرم بسیار علاقه‌مند به هنر

و مخصوصا موسیقی بود.

موزیسین‌ها و خواننده‌های

اون زمان ۹۰درصدشون

می‌اومدن خونه ما. می‌زدن و

می‌خوندن.

**از بازیگر چی؟**

یادمه آقای سازنگ، آقای اکبر

مشکی که بازیگری غول (بزرگ)

اون زمان بودن خونه‌مون که

می‌اومدن بال‌و پر می‌گرفتم که

برم پیش‌شون ...

**خونه‌تون کجای شمرن بود؟**

از کجا می‌دونی که شمرن بود؛

آره نیاوران که وارد دزاشیب

می‌شی. الان آتش‌نشانیه

روبه‌روش باغ بزرگی بود که به

بابام ارث رسیده بود.

**ارث شما؟**

هیچی به‌هم نرسید فقط به

انگشت‌عقیق و بس! اگه امروز

روی پای خودم هستم تلاش

خودم بوده.

**افق زندگی؟**

من که مث میلیاردها سرمایه

آنچنانی ندارم اما تونستم به

زندگی قشنگی برای خودم

و خانواده‌ام بسازم و خوب

زندگی بکنیم.

**کسانی‌که با دارندگی بزرگ**

میشن، نازک بار میان. شما

چه جور خودساخته بارومدین و

موفقی؟

بستگی داره، هرچند کمیودی

نداشتیم الحمدلله همه‌مون

روبه‌راهیم اما خودمون

زحمت‌کشیدیم.

**شما و جسون مستعد بی‌پارتنی؟**

پیشترها اگه چنین کسی رو

می‌دیدم سفارش می‌کردم واگه

می‌تونستم حتی بعضی‌ها رو

تحمیل می‌کردم یا به دوستان

می‌گفتم این نقش رو بدین

به فلانی، به‌خدا خوبه! یا به

کارگردان‌های خوب می‌گفتم

بیاین تئاتر ببینین چه

بچه‌هایی و چه استعدادهایی!

**پس با قدم‌تون خیره؟**

پدر بزرگ و مادر بزرگ به‌خودم

ندیدم. شش‌روزه که بودم

مادر بزرگم فوت کرد. گفته بودن

پا قدم این بچه بده و ...

**سفارش شما برای درست‌زندگی کردن با این عمر**

به یار مصرف؟

به آینده‌فکرکنن ولی

لحظات‌شون رو دریابن. برای

این‌که این لحظه‌ها آینده رو

می‌سازن، گذشته رو رها کنین.

به این لحظه بچسب و به

اونچه می‌کنی فکر کن و آینده

درخشانی که خواهی داشت. به

بچه‌هام همین رو خیلی گفتم.

**از میوه‌های عمرتون؟**

بعضی تاترها و فیلم‌ها عین